

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال سوم، شماره هفتم، بهار ۱۳۹۷، ص ۹۲-۷۳

## معرفی رساله دواء المساکین<sup>۱</sup>

دکتر حسین مسجدی<sup>۲</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اصفهان

سیده مرضیه رضایی<sup>۳</sup>

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

### چکیده

نسخ خطی به‌عنوان میراث مکتوب مردم ایران در کتابخانه‌های کشور، پشتوانه فرهنگی و شناسنامه تمدن ملت است و احیای نگاشته‌ها و آثار گذشتگان از وظایف پژوهشگران و حامیان زبان فارسی. *دواء المساکین* در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری قمری نوشته شده و مؤلف آن نامعلوم است. هدف اصلی در این مقاله، معرفی رساله طب *دواء المساکین* است که از اهمیت موضوعی، سبکی و ادبی ویژه‌ای برخوردار است و در کتابخانه آستان قدس رضوی از گنجینه‌های ادبی و پزشکی به‌شمار می‌آید. موضوع کلی این نسخه، طب سنتی و شیوه‌های درمان بیماری‌هاست. این نسخه دارونامه جامع و کم‌نظیری از داروهای مفرد و مرکب است. *دواء المساکین* علاوه بر اهمیت موضوعی، از نظر مختصات سبکی، زبان‌شناختی و رسم‌الخط نیز حائز اهمیت بوده و و از جهتی شامل اصطلاحات و ترکیبات فراوانی است که با شناخت این متن می‌توان در معادل‌سازی اصطلاحات جدید از آن‌ها بهره برد.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۱

<sup>۱</sup> تاریخ وصول: ۹۶/۹/۳

<sup>۲</sup> Masjedi.hosein@es.isfpmu.ac.ir

<sup>۳</sup> rmarziye50@gmail.com

## واژه‌های کلیدی

نسخه خطی، دواءالمساکین، طب سنتی.

### ۱. مقدمه

نسخه‌های خطی بخشی از میراث مکتوب فرهنگی یک جامعه و به‌منزله شناسنامه فرهنگی، تاریخی، ادبی و قومی یک ملت است. احیای نسخه‌های خطی، احیای دوباره میراث مکتوب و ارزشمند کهن ما تلقی می‌شود که خود، گامی مهم در توسعه فرهنگ و تمدن ایران و اسلام به شمار می‌آید.

گفتنی است به‌رغم توسعه دانش پزشکی در عصر حاضر، آشنایی با برخی متون طب سنتی ایرانی که میراثی برجای‌مانده از نیاکان دانشمند و حکیم این سرزمین کهن است و بسیاری از آموخته‌های آن در طول سالیان متمادی از بوتۀ تجربه عبور کرده و نسل به نسل به دست ما رسیده، خالی از لطف نیست و می‌تواند همراه با پزشکی نوین، خدمات ارزنده‌ای را در جهت توسعه دانش پزشکی ارائه دهد. شناخت نسخه دواءالمساکین ایجاد فرصتی برای استفاده و تحقیق بهتر برای پژوهشگران و متخصصان در حوزه طب سنتی است تا با بهره‌گیری از آموخته‌های آن بتوانند به بخشی از نیازهای جامعه در حوزه شناخت و شیوۀ درمان بیماری‌ها دست یابند.

دواءالمساکین رسالۀ پزشکی کم‌مانندی است که به‌دلیل کثرت شیوه‌های درمان و همچنین کاربرد ادویه‌های هندی در بین متون طبّی، به‌ویژه در میان زبده‌های این آثار از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

این رساله در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری قمری نوشته شده و متأسفانه مؤلف این اثر و سال نگارش آن نامعلوم است. نام این اثر در فهرست فنخا ذکر شده است (درایتی، ۱۳۹۱). دواءالمساکین شامل ۲۵۵ باب است. نام برخی باب‌ها در فهرست نیامده اما در متن نسخه موجود است و یا دو باب را با یک عنوان ذکر کرده که در تصحیح به فهرست افزوده و مرتب شد و پس از تصحیح این اثر و سامان‌دهی، به ۲۶۴ باب رسید.

احمد منزوی در فهرست‌واره خود ذیل دواءالمساکین ضمن معرفی چند باب آن، چنین آورده است: «ناشناسی که در دیباچه از خود نام نبرده است و می‌گوید این کتاب را در ۲۷۷ باب نگاشته، دواءالمساکین نام نهادم. عمدتاً پزشکی است و دیگر دانش‌های روز را نیز دارد» (منزوی، ۱۳۸۰: ذیل دواءالمساکین).

دواءالمساکین علاوه بر اهمیت موضوعی از نظر مختصات سبکی، زبان‌شناختی و رسم‌النخط نیز حائز اهمیت بوده که شناساندن این موارد بیشتر مدنظر نگارنده این مقاله بوده است. شناخت و معرفی رساله دواءالمساکین که حدود قرن ۱۲ هجری نوشته شده، به همراه بیان و معرفی ویژگی‌ها و جایگاه آن، موضوع اصلی این مقاله است.

### ۱-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. رساله دواءالمساکین شامل چند نسخه است؟
۲. محتوای کلی رساله به‌جز مسائل پزشکی به چه نکات دیگری اشاره دارد؟

### ۲-۱. اهداف و ضرورت پژوهش

هدف از نگارش این مقاله، معرفی رساله پزشکی دواءالمساکین به‌عنوان یک اثر گرانبها و قدیمی است که از اهمیت موضوعی، سبکی و ادبی ویژه‌ای برخوردار است و نیز ارائه موضوعات کاربردی پزشکی که تاکنون ناشناخته یا مبهم مانده است. با معرفی این رساله، جایگاه علمی دواءالمساکین در حوزه طب سنتی، تبیین و با افزوده شدن ادویه هندی به فرهنگ داروهای گیاهی، گامی در عرصه طب سنتی برداشته می‌شود. ضرورت تصحیح و چاپ نسخ خطی، به‌ویژه نسخه‌های فارسی، به‌عنوان میراث ملی و اسلامی بر همگان آشکار است و به‌یقین رسالت این امر خطیر بیش از همه متوجه استادان ارجمند و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی است.

### ۳-۱. روش تفصیلی پژوهش

محور اصلی این پژوهش بر پایه معرفی رساله‌ای است دارویی درمانی؛ از این‌رو نخست در مقدمه‌ای که برای این پژوهش تدوین شده، معرفی مختصری در خصوص موضوع و باب‌های

دواء‌المساکین انجام گرفت و سپس به بررسی تعداد نسخ، کاتبان و نویسنده نسخه پرداخته و در ادامه به محتوای رساله، ویژگی‌های دستوری، سبکی و متنی رساله اشاره می‌شود.

### ۱-۴. پیشینه تحقیق

به جز تصحیح این رساله که توسط اینجانب صورت گرفته، تاکنون هیچ اقدامی برای معرفی این کتاب انجام نشده است. در این مقاله، صورت منقح و مصححی از این اثر به دست داده می‌شود تا برای محققان و دست‌آوردان طب سنتی مفید باشد و یک اثر خطی نیز از خطر زوال مصون ماند.

### ۲. موضوع رساله

موضوع رساله دواء‌المساکین همان طور که از اسم آن برمی‌آید پزشکی یا به عبارت دقیق‌تر، «شاخه پزشکی دارو از سه رشته مهم پزشکی باستان است» (اذکایی، ۱۳۷۱: ۳۳).

در این رساله، ترکیبات دارویی که در درمان بیماری‌ها تشریح می‌شود و مقدار و نحوه مصرف دارو و همچنین زمان مصرف دارو با دقت فراوان بیان می‌شود و نویسنده نسخه تا حد امکان تلاش کرده که حق مطلب را به‌درستی ادا کند.

آنچه بیش از همه در این رساله مورد توجه است، کثرت ادویه‌ها و شیوه‌های متنوع در درمان هر یک از بیماری‌هاست؛ چنان‌که گاهی برای یک بیماری بیش از صد نوع شیوه درمان را بیان کرده است.

مؤلف برای هر بیماری با ذکر انواع داروهای مفرد و مرکب ابتدا به میزان مصرف یکایک داروها پرداخته و سپس روش به‌کارگیری دارو را آورده است و می‌توان گفت از این جهت رساله‌ای کم‌نظیر در داروشناسی است.

### ۳. معرفی نسخ

الف. نسخه کتابخانه گنج‌بخش پاکستان: شماره ۵۳۴۱ تاریخ کتابت قرن ۱۳ق، به نستعلیق نوشته شده و شامل ۳۳۱ ورق و ۶۶۲ صفحه است (تسییحی، ۱۳۸۴: ذیل دواء‌المساکین).

ب. نسخه کتابخانه گنج بخش پاکستان: شماره ۸۴۷۱ تاریخ کتاب قرن ۱۳ق، به نستعلیق نوشته شده و شامل ۴۷۸ صفحه است.

ج. نسخه سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی با علامت اختصاری «ق»: به شماره ۳۱۹۳۷ شامل ۴۰۴ برگ ۲۱ خطی با ابعاد ۱۶/۵×۲۷/۵. تاریخ کتابت: سال ۱۲۰۷ تا قرن ۱۳ق. جدول کشی اوراق به سرخی و لاجورد است. روی برخی کلمات به سرخی خط کشیده شده است. با خط نستعلیق و جلد تیماج فرنگی که جلد به جدول زنجیره‌ای گلبرگی طلایی مزین شده است. نسخه، کامل آغاز است و پس از فهرست مطالب، شامل مقدمه است.

آغاز نسخه: بسم الله الرحمن الرحيم، سپاس و ستایش خدای را که آفریده‌ها به خواست وی است و همه نعمت‌ها به جود عطای وی (ق: ۹).

انجام نسخه: و دواء الثعلب و داء الحية را نافع بود و صداع کهنه را دفع کند و جرب (همان: ۲۷۷).



شکل (۱)

آغاز نسخه آستان قدس

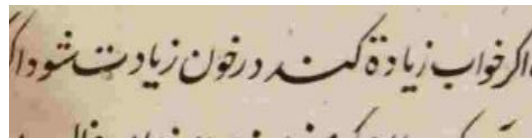


شکل (۲)

پایان نسخه آستان قدس

متن نسخه مورد نظر با خط نستعلیق نوشته شده است. خط نسخه ویژگی‌های رسم الخط قدیم را دارد از جمله:

الف. کلمات عربی مختوم به «ت» گاه به صورت «ه» و گاه به صورت «ت» آمده است:

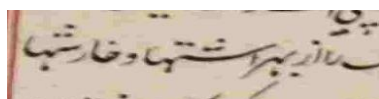


(ق: ۱۸)

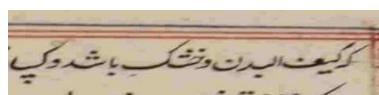
ب. وجود غلط‌های املائی در بعضی کلمات فاصد، جراهان، زخیره، اسفهان، خورد (کوچک)، جازبه.

ج. غلط‌های شایع نسخه «ق» که بر اثر بی‌دقتی کاتب به‌وفور در نسخه وجود داشت، «همان کوره سواد ناسخ موجب خرابی کتاب از جایی دیگر گردیده، به این معنی که هر جا را

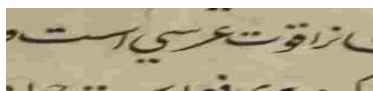
نفهمیده است به سلیقه خود تغییر داده» (بهار، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۹۱). در تصحیح در پاورقی آورده شد: شیرآهن به جای شرایین، وقت به جای قوت، عرسی به جای ارثی، چشم به جای خشم، جلد به جای خلط. دوایش به جای دورانش، مشام به جای مسام، کیف البدن به جای نحیف البدن، اشتها به جای ریش‌ها و ... .



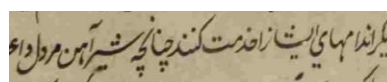
(همان: ۱۸)



(ق: ۲۲)



(همان: ۱۴)



(همان: ۱۳)

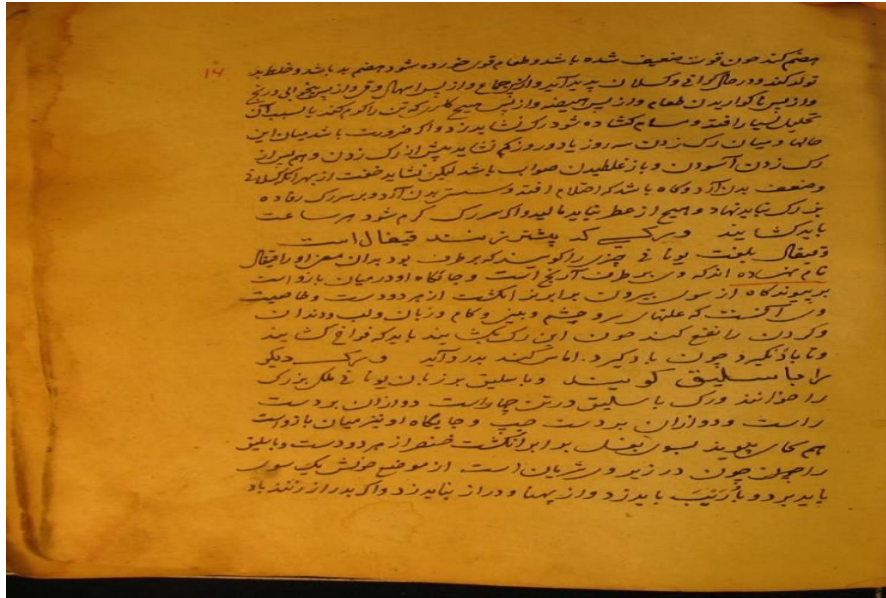
د. نسخه کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد با علامت اختصاری «د»: به شماره ۱۹۵۷. تاریخ کتابت قرن ۱۲ و ۱۳ق، تعداد ۳۰۳ برگ ۲۱ سطری که به خط نستعلیق نوشته شده به جز ۴۸ صفحه از آن که به نسخ نوشته شده است. تا قسمتی از باب پانزدهم در نسخه موجود نیست و در فهرست ابتدای نسخه که کاتب به نسخه افزوده، ۲۵۵ باب ذکر شده که در نسخه حدود ۲۱ صفحه از باب ۲۵۱ با عنوان «مراتب و کیفیات و درجات ادویه» آورده شده است.

آغاز نسخه: هضم کند چون قوت ضعیف شده باشد و طعام قوی خورده شود هضم بد باشد (د: ۱۷).

انجام نسخه: جلغوزه بندق هندی ریته خوانند و آن میوه است خردتر از فندق و رنگش به سیاهی زند بغایت املس بود گرم و خشک (همان: ۳۱۴).

رسم الخط نسخه شبیه رسم الخط نسخه «ق» است با این تفاوت که کاتب نسخه «د» دقت و توجه بیشتری در نگارش این نسخه داشته است.





شکل (۳): آغاز نسخه دانشکده الهیات



شکل (۴): پایان نسخه دانشکده الهیات

#### ۴. ویژگی‌های محتوایی رساله

##### ۴-۱. تنوع منابع دارویی

در داروهایی که *دواءالمساکین* برای مداوا تجویز می‌کند از سه منبع گیاهی، معدنی و حیوانی است: *سبوس* و *زیره* و *گل بابونه* را تف داده در *خریطه انداخته* و... (ص ۲۴۷). *مارقشیشا* *ذهبی* دو *درم* و *کبریت* دو *درم* جمله *باریک بساید* و *نگاه دارد* و... (ص ۱۷۸). *سپیدی بیضه* *مرغ* و *لعاب اسپغول چکانیدن* و *برنج* و *منک* و *کچهری منک* با *روغن ستور* مقدار ده *درم* (ص ۲۵۹).

۴-۲. در رساله علاوه بر بیماری‌ها و شیوه‌های متفاوت درمان آن‌ها به موضوعات دیگر از جمله معرفی اندام‌ها، اخلاط اربعه، مزاج، اعضای مرکبه، ارواح و اعصاب و عروق نیز اشاره شده است.

۴-۳. اشاره به احادیث و اشعار در فصول مختلف رساله.

##### ۵. ویژگی‌های متنی

۵-۱. کاربرد فعل «کنانیدن» و «کردندی»

*خردکان* و *نازکان* را *بدین اسهال کنانیدن* مفیدتر است. *دو درویش خراسانی ملازم یکدیگر بودند* و *سیاحت کردندی*.

۵-۲. تقلید از نثر متون کهن: *فلان دارو به فلان کس را سود داشت* در این علت *مر فلان کس را هم سود دارد*.

۵-۳. کاربرد ترکیب اضافی و وصفی مقلوب: *بار چند. درم یک. گام چند. جوز مغز. کحال استاد*.

۵-۴. کاربرد کلمات طبی به جای طبیعی و طبعی به جای طبیعی در نسخه «ق»:

*چند چیز باید تا طبی را شاید. علم طبعی که آن را علم موجودات خوانند*.

۵-۵. کاربرد واژه «کرهت» به جای «کرت»: *و قدری از این کودک را کرهتی بدهند اسهال شود*.

۶-۵. استفاده از ضمیر «او» به جای اسم اشاره: از پس ریاضت هیچ مانند گرمابه نباشد از این معنی که او گردوغبار از تن می گیرد.

۷-۵. استفاده از فعل مضارع به جای فعل امر و شرط

سرکه بر هم کنند و پنبه در وی می زنند (= بزنند) و زیر دندان می گیرند (= بگیرند) درد را ببرد (به جای امر) و اگر توری پاره در لعاب اسپغول و لعاب دانه آبی به آب کوک و گشنیز و گلاب می زنند (= بزنند) و پشت چشم می نهند (= نهند) آماس و گرمی را بنشانند و چشم را خنک کند (به جای فعل شرط).

۸-۵. استفاده از افعال مرکب به جای فعل امر و نهی

اختیار باید کرد به جای اختیار کند.

نشاید خورد به جای نخورد.

۹-۵. کاربرد فراوان بای تأکید بر سر افعال: بپالاید، بسرشند، بکوبد، ببیزد، بنهد

۱۰-۵. استعمال کلمات فارسی که اکنون معادل آن‌ها معمول است: گرده به جای کلیه،

سپرز به جای طحال.

۱۱-۵. کاربرد «ی» برای ساخت ماضی استمراری: هروقت آن را دیدی تحسین کردی،

پیوسته وصیت کردی.

۱۲-۵. تکرار: و دیوچه که بر جای افکند و چون دیوچه که بر جای افکند خون را به

خود کشد (د: ۴۲). عوض از رگ‌ها طلب کند و رگ‌ها از جگر طلب کند و جگر از آن

رگ‌ها طلب کند (همان: ۴۷).

۱۳-۵. کاربرد افعال پیشوندی: تا به تندرستی بازآید چه اگر فرو گذاشته شود شک نیست

(همان: ۵۶). بازآید در حال سر رگ بیاید گرفت (همان: ۶۵).

۱۴-۵. استعمال فراوان «اندر»: دیگر رگی است از یک اصل او اندر لب زیرین. کسی را

که اندر میان دهن و... (همان: ۶۷) نخستین اندر معده است و هضم دویم اندر جگر و هضم

سوم اندر همه اندام‌هاست (همان: ۶۹).

- ۱۵-۵. جمع: کلمات معمولاً با «ها» جمع بسته شده است: داروها، تب‌ها، بیماری‌ها. اما در مواردی نیز جمع مکسر عربی آمده است: فواکه، اعضا، ارواح، تجارب.
- ۱۶-۵. کاربرد محدود مترادف کلمات: قی و غثیان رنجه ندارد (همان: ۷۲).
- ۱۷-۵. «بازآمدن» به معنی «رسیدن»: در یک من آب بجوشاند و چون نیم من بازآید در آفتابه کرده (همان: ۲۳۸).
- ۱۸-۵. کاربرد «را» فک اضافه: به گلاب بشوید و بخورد کسی را دهد که طبع او را کُند باشد (همان: ۲۴۲).
- ۱۹-۵. تقدیم فعل بر متعلقات: بیارد قدری خردل و قدری سیاه‌دانه و هریک را به هفت آب بشوید (همان: ۲۴۳).
- ۲۰-۵. کاربرد «سیوم» به جای «سوم» و «دویم» به جای «دوم» در سرتاسر نسخه «ق» و در اغلب موارد در نسخه «د».

#### ۶. فهرست برخی مقادیر و اوزان قدیم در نسخه

- با توجه به اینکه مقدار داروها و همچنین ترکیب مواد به‌اندازه لازم در داروسازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و هست، در این اثر از مقادیر متنوعی استفاده شده است:
- اوقیه: معادل هفت مثقال است: چهار درم نمک و چهار اوقیه انگبین برافکند (د: ۷۴).
- درم: معادل شش دانگ: مینپهل چهار درم، نمک سنگ یک درم باریک سوده (همان: ۷۴).
- رطل: نیم من: دانه یک رطل پاره کند و در دو رطل مثلث بجوشاند (همان: ۹۴).
- سیر: معادل شانزده مثقال: شانزده سیر آب و چهار سیر روغن ستور یکجا کند (همان: ۹۷).
- مثقال: بیست قیراط: انکزه یک مثقال، مغز پسته پنجاه مثقال (همان: ۱۴۵).
- مشت: مقدار یک کف دست: دو نیم دانه جمالکوته، یک مشت برنج، تخم پلاس (همان: ۱۶).
- من: ششصد مثقال: و یک من غسل صاف بر سر آن کند (همان: ۹۴).

#### ۷-۱. واژگان کهن

- از موارد قابل توجه این متن، استعمال کلمات کهن و غریب یا کلماتی است که معنای آن‌ها در گذشته با آنچه امروز استعمال می‌شود تفاوت دارد (دهخدا، ۱۳۶۰):

خداوند: مالک، صاحب: خداوند آن علت باید که پیوسته طعام سیر نخورد (د: ۲۷۰).  
 رگو: جامه‌ای کهنه: و از رگوی پاکیزه بپالایند و در شیشه کنند (همان: ۲۵۲).  
 سح: سودن، ساییدن: بعد آب لیمون اندازند و سح کنند (همان: ۲۵۶).  
 طلا کردن: برمالدن: گرد چشم یعنی پلک‌ها چشم طلا کند (همان: ۲۵۶).  
 شپلیدن: فشار دادن، هموار نمودن با دست: و فرود آرد و بشپلد و روغن صاف بماند  
 (همان: ۲۸۹).  
 فرغار کردن: خیسانیدن: اگر نخورد خام در آب فرغار کرده (همان: ۱۶۵).  
**۲-۷. برخی دیگر از واژگان (نک: دهخدا، ۱۳۶۰)**

آشام: نوشیدنی	جنت: نام سازی هندی	قلاع: جوشش دهن
برنک: اصل و ابتدا	چاهک: گودی چانه	کاواکی: میان تهی
بهت: (هندی) شیربرنج	حمیات: تب‌ها	کلابه: کلاف ریسمان
بیره: لقمه و نواله	دوته: خم کردن	کما: جامه گرم کرده که
پاچک: سرگین گاو	ذبول: پژمردن	بر عضو نهند
پرسته: سی و دو درم	رکو: تکه پارچه کهنه	کمون: یک نوع معجون
پرمیو: سوزاک	سکوره: کاسه سفالین	کوله: نادرستی
پلیته: ریسمان تابداده	سنگ تاب: با ریختن	لعوق: داروی لیسیدنی
پهنکی: برآمدن شکوفه	سنگ تافته در مایع آن را	ماشوره: نی میان تهی برای
پهی: حنظل	گرم کردن	باقتن
تحر: پیچاچک شکم	سونش: ریزه فلزات	مشوی: بریان
تکمید: بستن کما بر عضو	شاذنج: شاهدانه	مقیئات: ادویه قی آور
تلواسه: اضطراب و بیقراری	شپلیدن: افشردن	ناغه: غیر مستعمل
تمدد: خمیازه	طم: کثیر	هفقه: لاغر شدن
تمریح: روغن مالیدن به پوست	علی حده: جداگانه	وسخ: ریم
جغرات: ماست	فرغار: خیسانده	

## ۸. نویسنده نسخه

متأسفانه نویسنده در رساله، هیچ اطلاعاتی درباره خود ارائه نمی‌دهد و نامی از اساتید خود نمی‌برد. در سایر کتب طبی نیز به این رساله اشاره‌ای نشده است. در منابع و فهرست‌های محدودی که نام *دواء المساکین* در آن‌ها یافت شد، از نویسنده اثر یاد نشده است. اما با دقت در متن می‌توان به آگاهی‌های زیر دست یافت:

الف. نویسنده می‌بایست پس از قرن ۱۱، این اثر را تألیف کرده باشد؛ زیرا تمام نویسندگان و شخصیت‌هایی که در متن نام برده شده‌اند، پیش از قرن ۱۱ می‌زیسته‌اند.

ب. نویسنده طبیبی است مسلمان، سنی مذهب و از پارسی‌زبانان ساکن هند. وی در کتاب خود اغلب از ادویه‌های هندی نام می‌برد و نیز در جایی از «لکهنوتی» که ناحیه‌ای در بنگال هند است، سخن می‌گوید و به علما و پادشاهان هندی، چون شهاب‌الدین ناگوری، شیخ نصیرالدین محمود ملقب به چراغ دهلی، بابارتن هندی و ملک‌بهرام اشاره می‌کند.

ج. نویسنده، امانت علمی را رعایت کرده و هر جا از نسخه‌های استادان بزرگ داروشناس استفاده می‌کند نام آن‌ها را ذکر می‌کند.

د. نویسنده به زبان هندی تسلط کامل دارد و دست‌کم با زبان طبی یونانی نیز آشناست: بیارد مغز جوز که به هندی آن را اکهروت گویند (د: ۱۵۶) پوست مار که به هندی کنجلی گویند (همان: ۲۷۳) در چشم افتد ناخونه پیدا شود و آن را به هندوی انب گویند (همان: ۲۶۰) صلب است به زبان یونانی آن را شریان گویند (همان: ۵۸) و نام او اکحل به لغت یونانی است (همان: ۶۳) بدان که اسطقس، لفظی است یونانی (همان: ۴۰).

ه. نویسنده در سرتاسر نسخه از اشعار مرتبط با درمان بیماری‌ها به‌وفور استفاده کرده است. در اغلب موارد نام شاعر برده نشده است اما در چند مورد، نویسنده از شهاب‌الدین نام برده است که به نظر می‌رسد بیشتر اشعار از شهاب‌الدین ناگوری مؤلف کتاب منظوم طب شهابی است:

بود چون تو را ای پسر درد گوش	اگر عاقلی گفته‌ام دار هوش
بیاور ز لحم بقر یک کباب	بنه بر سر نار از آن کش تو آب
همان آب در گوش مذکور کن	دوا مثل این نیست در گوش کن

و. همچنین در متن به آیات و احادیث استناد می‌کند و گاه شیوه درمان بیماری را با آیه‌ای از قرآن بیان می‌کند: کودک که شب و روز گریه کند و پستان نگیرد این آیه بنویسد و در گلوی او بندد نیکو شود؛ آیه این است: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»\* (د: ۲۰۷).

#### ۹. کاتبان نسخه

درباره کاتب نسخه «ق» که در ابتدای نسخه، سازمان کتابخانه آستان قدس از عبداللطیف نام برده، می‌توان گفت از مسلمانان سنی مذهب است. فهرست ابتدای نسخه را کاتب به نسخه افزوده است. اما درباره نحوه کتابت او به صراحت می‌توان گفت بی‌توجهی و سهل‌انگاری و شاید کم‌سوادی و گویش کاتب در بسامد اشتباهاتش، در سرتاسر نسخه به چشم می‌خورد که به تعداد محدودی از آن‌ها اشاره می‌شود:

شیرآهن به جای شرایین، وقت به جای قوت، عرسی به جای ارثی، چشم به جای خشم، جلد به جای خلط. دوايش به جای دورانش، مشام به جای مسام، كيف البدن به جای نحيف البدن، اشتهها به جای ريش‌ها.

اما کاتب نسخه «د» ناشناخته است و مسلمانی است شیعه که در فهرست مطالب از واژه‌های «علیه‌السلام» برای نام حضرت علی و افزودن «وآله» به «صلی الله علیه» استفاده کرده است و در متن کتاب هم جایی که نام هارون‌الرشید برده شد، واژه «علیه‌الرحمة» خط خورده شده و «علیه‌اللعة» را به جای آن ذکر کرده است. در سایر موارد در متن کتاب تصرفی نشده است. فهرست ابتدای مطالب را خود به نسخه افزوده و دقت و توجه بیشتری در نگارش مطالب داشته است.

## ۱۰. دقت علمی نویسنده

نویسنده تبحر خاصی در داروسازی و داروشناسی دارد و مطالب را به دقت بیان کرده است به طوری که:

۱. مقدار مصرف دارو را به دقت ذکر می‌کند: تربد سفید تراشیده نیم کوفته بگیرند یک درم و یا یک و نیم درم به حسب قوت طبع دارو خوار و اندر صد درم سنگ آب بجوشانند تا نیم باز آید (د: ۸۱).

۲. زمان استفاده از دارو را ذکر می‌کند: اگر در تابستان بود به وقت صباح در پگاه و در زمستان به وقت نماز پیشین بهتر بود (همان: ۷۱).

۳. سن و قشر خاص مصرف‌کننده دارو را ذکر می‌کند: کسانی را که مزاج‌های خشک دارند در اوجاع و در دق افکند و ناقهان و ضعیفان و کسانی که پیه‌های ضعیف دارند و از اوجاع مفاصل در رنج باشند زیان کلی دارد (ص ۱۴۰) خردکان و نازکان را بدین اسهال کنانیدن مفیدتر است (همان: ۸۲).

۴. نحوه ساخت دارو را به دقت بیان می‌کند: صفت آن زنجبیل دو درم، گشنیز دو درم و والان خرد که آن را شوت گویند دو درم، جمله در چهار سیر آب بجوشانند چون نیم سیر آب ماند، صاف کند و شیر گرم نهار بخورد تا اخلاط پخته شود. سه روز ملازمت نماید و در این سه روز به غیر آب منک بی دانه و روغن ستور چیز دیگر نخورد و چهارم روز بیارد تربد یعنی نسوت آس کرده و بیخته دو درم، نمک سنگ یک درم، شکرتری یک درم سوده و بیخته یک جا کرده به آب گرم دهد اسهال آرد (همان: ۷۷).

۵. شیوه مصرف دارو را به دقت بیان می‌کند: در دارویی که اسهال آرد بیارد خیار شنبر و هلیله زرد و هلیله زنگی بکوبد و ببیزد و نگاه دارد هر روز نهار آنچه به سه انگشت برآید برگیرد و قدری شهد خالص و شکرتری بیامیزد و بخورد تا چاشت هیچ نخورد و شکم دو سه کرت براند اگر خواهد که بایستد آب سرد بخورد در زمان بایستد (همان: ۸۳).



۶. مانند برخی قرابادین‌ها مجرب بودن یا نبودن دارو ذکر می‌شود: اگر خواهد که بایستند شربت را بیاشامد به آب سرد و دست و پای بشوید و برنج به جغرات بخورد بایستند مجرب است (همان: ۸۴) آب چشم را زایل کند و روشنایی چشم حاصل آرد الا به دست کاری کحالان استاد، دوی آزموده که در حق خاطر گواهی مطلق دهد که مختصر گردید. والله اعلم مجرب نبود (همان: ۲۸۶). حکیم مؤمن نیز در تحفه، از عبارت «آزموده است» سود جسته: «نسخه دیگر جهت رخسار و شقاق آزموده است لعاب حلبه...» (تنکابنی، ۱۳۹۰: ۱۱۱۲).

۷. سازنده دارو یا منبع اخذشده را ذکر می‌کند: بارکونجه نیم‌پخته و آن را بشکافد و تخم او بستاند و تا آن زمان در روغن ستور بریان کند که بشکافد و بشکند و بیرون افتد دو سه از این مجموع بخورد در قوت عجایب است. تقریر ملک بهرام است (همان: ۱۵۳) اما آنچه که زکریا رازی گفته است اندر این معنی بیارد خراطین و آن را پاکیزه بشوید و خشک کند و بساید و آن گاه در گرمابه رود (همان: ۱۵۳).

۸. نحوه طبخ دارو را نیز به دقت بیان می‌کند: بعد بیارد پوست خشخاش یک سیر در ده سیر آب بجوشاند پوست شپلیده دور کند آب صاف کند و دانک سیر شهد اندازد و باز به آتش جوشاند چون قوام آید ادویه خلط کرده نیم کان درم را گلوله ساخته نگاه دارد یکی بعد از طعام بخورد (همان: ۱۷۷).

## ۱۱. پزشکان داروساز در رساله

با توجه به اینکه داروسازی و داروشناسی در گذشته بر اساس مشاهده و تجربه حاصل می‌شد، هریک از داروسازان از نسخه‌های استادان پیشین خود آگاه بوده و بهره می‌گرفتند. استادان داروسازی که نویسنده دواء المساکین در کتاب خود به ایشان یا کتاب اطبا اشاره می‌کند عبارت‌اند از:

۱. جالینوس: عفونت باز دارد جالینوس گوید که آب و هرچه او را بجوشاند بهتر از آن

- گردد که بوده باشد آب شور که دلک خورده شود شکم براند (د: ۱۱۹).
۲. ارسطاطالیس: تألیف ارسطاطالیس حکیم، افیون و جوزبویه دوکان درم، قرنقل، دارچینی، پلپل دراز یکان درم، مشک و زعفران، کافور، جودانه یکان ماسه، هریک سوده و بیخته یک جا کند (ص ۱۴۵).
۳. بقراط: بقراط و حکما گفته‌اند: در ماه در ماه دو بار قی کند میان ماه و آخر ماه هیچ علت در بدن او نماند و بیمار نشود (همان: ۷۴).
۴. ابوعلی سینا: نوع دیگر از خواجه ابوعلی سینا: هرکه این معجون را یک هفته بخورد هرچه بشنود یاد کرد و اگر دو هفته بخورد هرچه فراموش کرده است در عمرش یاد آید (همان: ۲۴۰).
۵. محمد زکریا در منصوری آورد صفت ذرور محمد زکریا بیارد کف شیشه و کف دریا و بورق و لیسک سوسمار و شکر حجازی از هریک برابر بسایند و پس از آنکه از گرمابه بیرون آیند (همان: ۲۶۳).
۶. اسماعیل جرجانی در ذخیره آورده است هرگاه که غذا از بیماری باز گرفته بود و چیزی نافع و اندک شود هم مقداری از خون کم گردد هم مزاج به اعتدال باز آید (همان: ۶۱).
۷. بوبکر بخاری: منقول است از شیخ المشایخ قطب الاولیا شیخ العالم بخاری رحمه الله علیه: هرکه بعد از ادامه نماز فجر، هفتاد بار بگوید «یا نور» و بر چشم خود بدمد هرگز چشم او به درد نیاید (همان: ۲۷۴).
۸. قطب‌الدین محمد آدم: مولانا قطب‌الدین آدم علیه الرحمه درسته ضروریه نوشته‌اند که شخصی گفت که مدت ده سال قرحه ریه داشتم، ده روز انجبار مصری خوردم هر روز یک مثقال صحت یافتم (همان: ۳۱۴).
۹. محمد بن محمد عبدالله: آب برگ لسان الحمل مززه و غرغره کند قلاع دفع گردد اگر قلاع و جوشش دهان کودکان را باشد برگ گاوزبان سوخته و به آرد عدس پاشیدن

کافی است و تخم خرفه با شیاف مامیثا بر زبان مالیدن با گلاب نافع است. تحفه خانی (همان: ۳۰۵).

۱۰. ابوالقاسم طیب: نوع دیگر نسخه ابوالقاسم طیب بنفشه و هلیله زرد از هریک، یک درم و نیم، کتیرا دانکی و نیم، مصطکی نیم دانک، این یک شربت است سه شب بخورند (همان: ۲۱۵).

۱۱. رضا تبریزی اصفهانی: در کتاب خلاصة الحقایق آورده است که بزرگی گفت که من اختیار کردم صیام را از برای آنکه پرسیدم شش گروه را از شش چیز همه یک جواب دادند (همان: ۲۶۱).

۱۲. شهاب الدین ناگوری: چنان که شیخ شهاب الدین ناگوری می فرماید:  
شب و روز عشرت یقین پر بلاست      جوان را بر زال رفتن خطاست  
(همان: ۱۸۶)

## ۱۲. نتیجه

با مطالعه رساله دواء المساکین نتیجه می گیریم:

۱. در رساله، مترادف داروها و بیماری‌ها ذکر و به منشأ جغرافیایی ادویه اشاره شده است.
۲. شیوه و زمان مصرف دارو و ذکر مجرب بودن یا نبودن آن در درمان بیان شده است.
۳. کثرت داروها و شیوه‌های متنوع درمان از موارد حائز اهمیت در دواء المساکین است.
۴. از مهم‌ترین ویژگی‌های رساله دستیابی به موضوعات کاربردی پزشکی است که تاکنون ناشناخته یا مبهم مانده.
۵. از اشعار، احادیث و آیات برای بیان و درمان برخی بیماری‌ها استفاده شده است.
۶. رساله از لحاظ ادبی و طبی، اهمیت فراوانی دارد و زمینه‌های بسیاری برای تحقیق و پژوهش در آن دیده می‌شود.

پی‌نوشت

\* آل‌عمران: ۱۸

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اذکایی، پرویز (۱۳۷۱)، تاریخ طب در ایران، همدان: دانشگاه علوم پزشکی.
۳. بهار، محمدتقی (۱۳۸۸)، سبک‌شناسی، تهران: امیرکبیر.
۴. تسبیحی، محمدحسین (۱۳۸۴)، فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش پاکستان، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۵. تنکابنی، محمد مؤمن (۱۳۹۰)، تحفة حکیم مؤمن (تحفة المؤمنین)، تهران: سنائی.
۶. درایتی، مصطفی (۱۳۹۱)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۰)، لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران.
۸. منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۹. ناشناس، دواء‌المساکین، شماره ۳۱۹۳۷، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و اسناد قدس رضوی.
۱۰. —، دواء‌المساکین، شماره ۱۹۵۷، کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد.